**۱۶/۰۶/۹۵**

## سه‌شنبه - جلسه ۴

**أعوذ باللّه من الشیطان الرجیم بسم اللّه الرحمن الرحیم الحمد للّه ربّ العالمین و صلّی اللّه علی سیّدنا محمّد و آله الطاهرین سیّما بقیّة اللّه فی الأرضین و اللعن علی أعدائهم أجمعین.**

بحث در اقوال در نماز جمعه در عصر غیبت بود که عرض کردیم برخی قائل شدند به وجوب تعیینی نماز جمعه در عصر غیبت مثل شهید ثانی در رساله صلاة جمعه با این‌که در کتاب های دیگر مثل مسالک، شرح لمعه، روض الجنان فرموده است چون اجماع داریم بر عدم وجوب تعیینی نماز جمعه در عصر غیبت ما ملتزم می‌شویم به وجوب تخییری. ولی در بین معاصرین مرحوم آقای حائری قائل به وجوب تعیینی بودند. صاحب مدارک در متاخرین قائل به وجوب تعیینی بود. قول مشهور متاخرین وجوب تخییری نماز جمعه است. قول برخی مثل سید مرتضی و سلار و ابن ادریس و در متاخرین مرحوم آقای بروجردی حرمت نماز جمعه است در عصر غیبت و همین‌طور مرحوم آقای حکیم. و قول دیگر هم تفصیل بین اقامه نماز جمعه و حضور در نماز جمعه است که اقامه واجب تخییری است ولی بعد از اقامه با شرائط حضور در آن بر بقیه مردم واجب تعیینی می‌شود که نظر مرحوم آقای خوئی و استاد بود.

ادله قول اول که وجوب تعیینی نماز جمعه است یکی آیه شریفه یا ایها الذین آمنوا اذا نودی للصلاة من یوم الجمعة فاسعوا الی ذکر الله و ذروا البیع بود. استدلال به این آیه را مرحوم شهید ثانی پذیرفت، صاحب مدارک پذیرفت، مرحوم آقای حائری در کتاب صلاة جمعة پذیرفته.‌ مرحوم استاد ما رضوان الله علیه در شرح عروه شان هم فرموده اند به نظر ما استدلال به این آیه بر وجوب تعیینی نماز جمعه تمام هست.

عمده استدلال این بزرگان این است که می‌گویند آیه به نحو قضیه حقیقیه است. و شرط در آیه هم این نیست که اذا اقیمت الجمعة فاسعوا الی ذکر الله. شرطش اذا نودی للصلاة من یوم الجمعة است. اذان ظهر را در روز جمعه بگویند. ندارد اذان نماز جمعه را بگویند. اذان نماز را بگویند. اذا نودی للصلاة من یوم الجمعة. اذان ظهر را در روز جمعه بگویند برای نماز. پس بشتابید به سوی ذکر خدا که نماز جمعه هست. و این اقتضاء می‌کند که اگر مردم نخواهند نماز جمعه هم بر پا کنند بر خلاف خواست خودشان ملزم باشند نماز جمعه را بر پا کنند تا آیه را امتثال کرده باشند.

مرحوم آقای خوئی دو تا اشکال کرد:

اشکال اول این بود که فرمود این آیه می‌گوید که اذا نودی للصلاة من یوم الجمعة فاسعوا الی ذکر الله. ظاهرش این است که یعنی اذا اقیمت صلاة الجمعة فاسعوا الی ذکر الله. و در فرضی که اقامه نشود نماز جمعه شرط در این آیه محقق نشده.

به نظر ما این فرمایش آقای خوئی با تتمیم قابل قبول است. جواب شبهات را اگر بدهیم به نظر می‌آید فرمایش آقای خوئی قابل قبول باشد. شبهه این بود که آیه ندارد اذا نودی لصلاة الجمعة‌ من یوم الجمعة. اذا نودی للصلاة، لجنس الصلاة. اذان ظهر را که در روز جمعه بگویند دعوت می‌کنند مردم را به نماز. لازم نیست دعوت کنند به نماز جمعه. حی علی الصلاة می‌گویند دیگه. و اذان هم که حالا بگویند یا نگویند دیگه خصوصیت ندارد که. خب این اشکال این بزرگان بود که می‌گفتند اذا نودی للصلاة من یوم الجمعة ندارد اذا اقیمت صلاة الجمعة. پس چرا این آقایان مثل آقای خوئی معنا کردند اذا اقیمت صلاة الجمعة؟ به نظر ما این تعبیر اذا نودی للصلاة من یوم الجمعة یک تعبیر عرفی است و می‌شود با این تعبیر بیان کرد این‌که نماز جمعه بر پا شده است. این آیه که می‌گوید که هر گاه نداء بشود برای نماز در روز جمعه پس بشتابید به سوی ذکر خدا، متفاهم عرفی در این آیه این است که مفروغ الوجود گرفته که اذان شروع نماز جمعه را سر دادند. و لااقل من الاجمال.

همین الان اگر به مردم بگویند ای مؤمنین! هر گاه نداء بشود برای نماز در روز جمعه بشتابید به سوی ذکر خدا و مغازه های تان را ببندید، خب هیچ ظهوری ندارد در این‌که شما اگر نماز جمعه هم یک روز تعطیل بود بروید آن روز نماز جمعه را برگزار کنید حتما. مفروغ عنه گرفته که نماز جمعه ای برگزار می‌شود. نودی للصلاة من یوم الجمعة بعد می‌گوید فاسعوا الی ذکر الله.

و لذا به نظر ما این اشکال مرحوم آقای خوئی که این آیه در آن فرض شده تحقق تشکیل یافتن نماز جمعه و به دیگران خطاب می‌کند مشارکت کنید در نماز جمعه، این اشکال،‌ اشکال واردی هست.

[سؤال: ... جواب:] ظاهر این آیه و لااقل من الاحتمال این است که نماز جمعه مفروغ عنه هست تشکیل یافتنش. ... آخه اینی که شما می‌گویید دیگه نداء نمی‌کنند به، ببینید! شما یک وقت می‌گویید اذان نماز ظهر را می‌گویند، آیه شاملش می‌شود، اذا نودی للصلاة من یوم الجمعة، ما می‌گوییم این خلاف ظاهر است. ظاهرش این است که اذانی بگویند که بعدش خطبه های نماز جمعه را می‌خواهند بخوانند. بیش از این لااقل ظهور ندارد نودی للصلاة من یوم الجمعة. شامل جایی نمی‌شود که اذان ظهر می‌گویند می‌خواهند نماز ظهر بخوانند آیه می‌گوید اذا نودی للصلاة من یوم الجمعة فاسعوا الی ذکر الله. ای مردم! بروید نماز جمعه بخوانید، این چه کاری است که نماز ظهر می‌خوانید، این خلاف ظاهر است. ظاهرش این است که مفروغ عنه گرفته اذان نماز جمعه را می‌گویند، مفروغ عنه گرفته ذکر الله محقق شده است، شما بشتابید محروم نشوید از ذکر الله. و ذیلش هم قرینه بر همین هست که و ترکوک قائما. عده ای هستند پیامبر را در حال خطبه نماز جمعه رها می‌کنند، پیامبر مجبور است منتظر بماند آن‌ها برگردند نماز جمعه را شروع کند بخواند. این‌ها ما یصلح للقرینیة است. ... و ترکوک قائما یعنی، حالا از پای منبر پیامبر رفتند، انفضوا الیها، پراکنده شدند به سمت او یا قسمتی هم از بیرون مسجد داشتند می‌آمدند مسجد، دحیه کلبی را دیدند رفتند طرف او، مجموعا انفضوا الیها، پراکنده شدند به سمت دحیه کلبی. خب و ترکوک قائما. اصلا ظاهرش این است: مفروغ عنه است که نماز جمعه ای برگزار می‌شود، شما محروم نکنید خودتان را از نماز جمعه.

[سؤال: ... جواب:] حالا ببینید! آخه مرحوم شهید ثانی و مرحوم آقای حائری و مرحوم استاد می‌گویند قضیه، حقیقیه است. زمان پیامبر نماز جمعه برگزار می‌شود. آیه اطلاق دارد. آیه شامل امروز هم می‌شود. شامل آن روزی هم می‌شود که نماز جمعه برگزار نمی‌شد در شهرها. می‌گوید یا ایها الذین آمنوا هنگامی که اذان نماز را می‌گویند در روز جمعه بشتابید به ذکر خدا. حالا یا نماز جمعه یا خطبه ها و نماز جمعه. بشتابید و لو به این‌که بشتابید بروید تشکیل بدهید نماز جمعه را. ما عرض مان این است: این خلاف ظاهر است. ظاهرش این است که تشکیل یافتن نماز جمعه مفروغ عنه است و می‌گویید بروید در نماز جمعه شرکت کنید.

این فرمایش آقای خوئی به نظر ما با این تکمیلی که شد قابل قبول است.

[سؤال: ... جواب:] بله؟ ... نودی للصلاة فی یوم الجمعة با من یوم الجمعة فرق نمی‌کند. ... بله. ایشان می‌فرمایند که نودی للصلاة من یوم الجمعة بهتر از نودی للصلاة فی یوم الجمعة‌ است برای تایید این مطلب که نودی للصلاة من یوم الجمعة‌ یعنی نمازی که خواستگاهش روز جمعه است یعنی نماز جمعه. حالا خیلی این مطلب واضح نیست که نودی للصلاة من یوم الجمعة این من متعلق به صلاة باشد. یعنی صلاتی که ناشی است از روز جمعه که یک نماز خاصی است که در روز جمعه برگزار می‌شود که همان نماز جمعه است. ظاهر این است که فرقی بین نودی للصلاة من یوم الجمعة با نودی للصلاة فی یوم الجمعة‌ نیست.

وجه دومی که مرحوم آقای خوئی ذکر کرده...

[سؤال: ... جواب:] بله؟ ... اصلا این آیه طبق این وجه اول وظیفه امام را بیان نمی‌کند؛‌ وظیفه پیامبر را بیان نمی‌کند. دیگران بعد از این‌که امام و یا پیامبر نماز جمعه برگزار کرد باید مشارکت کنند در نماز جمعه. آیه بیش از این دلالت نمی‌کند.

وجه دومی که آقای خوئی ذکر کردند خوب دقت بفرمایید این است که ایشان می‌فرمایند ما سیأتی، خواهد آمد که قائلیم اگر نماز جمعه اقامه بشود با شرائطش،‌ حضور در آن بر همه مردم واجب است. ولی همین مدعای ما هم استفاده اش از این آیه مشکل است. ما این را از روایات استفاده خواهیم کرد. چرا؟ برای این‌که این آیه بیش از استحباب نمی‌رساند. فاسعوا یعنی یستحب السعی الی ذکر الله. شاهدش چیه؟ چند تا شاهد ذکر می‌کند:

یک شاهد می‌فرمایند که ببینید! ذکر الله قطعا نماز جمعه نیست. چرا؟ برای این‌که بعد از اذان روز جمعه تا وقت شروع نماز جمعه وقت زیاد است. تا رکوع امام در رکعت اول نماز جمعه وقت هست. چه لزومی دارد فاسعوا الی صلاة الجمعة؟ چرا سیر سریع بکنیم به نماز جمعه. نخیر. سیر بطیء می‌کنیم. اگر بحث نماز جمعه است ما جوری می‌رویم که به رکوع امام در رکعت اول نماز جمعه برسیم. بیش از این‌که لازم نیست.

[سؤال: ... جواب:] نه. فاسعوا الی ذکر الله یعنی فاسعوا الی صلاة الجمعة خب سیر سریع کنید به نماز جمعه، خب هنگام اذان چرا سیر سریع بکنیم به نماز جمعه،‌ سیر بطیء هم بکنیم می‌رسیم به نماز جمعه.

و مفسرین هم بعضی هایشان گفتند که مراد از ذکر نماز جمعه نیست؛ خطبه نماز جمعه است. این قرینه می‌شود که فاسعوا الی ذکر الله یعنی فاسعوا الی خطبة الجمعة. چون سعی به نماز جمعه لازم یعنی نیازی نیست. اگر برای رسیدن به نماز جمعه است اذان ظهر که بگویند فاصله دارد به نماز جمعه. حالا تا امام خطبه ها را بخواند،‌ سوره جمعه را بخواند، برود به رکوع، خب مقداری زمان می‌برد، ما چرا سیر سریع بکنیم؟ بشتابیم؟ آرام می‌رویم می‌رسیم. این نشان می‌دهد فاسعوا الی ذکر الله، ذکر الله نماز جمعه نیست؛ خطبه نماز جمعه است. بعض مفسرین هم که این را گفتند که مراد خطبه نماز جمعه است.

[سؤال: ... جواب:] نودی للصلاة من یوم الجمعة ما اذان مشروع که داریم، بحث در این است که این اذانی که در این آیه هست، اذا نودی للصلاة من یوم الجمعة بعد می‌گوید و اذا رأوا تجارة‌ او لهوا انفضوا الیها و ترکوک قائما، این ترکوک قائما بعد از آن اذان بوده. یعنی بعد از اذان پیامبر خطبه می‌خواند پس آن اذان قبل از خطبه است. اذان ثالث هم بدعت است ها!. عثمان اذان ثالث را ایجاد کرد. اذان ثالث بدعت است. ... بهرحال آن اذان مشروع که بود، اذانی که می‌گفت بلال، بعدش پیامبر خطبه می‌خواند، بعد نماز می‌خواند. اذا نودی للصلاة من یوم الجمعة آن اذانی است که بعد از خطبه های پیامبر برگزار می‌شد و لذا بعدش می‌گوید و اذا رأوا تجارة او لهوا انفضوا الیها و ترکوک قائما، این خطبه ای بود که بعد از آن اذان گفته می‌شد.

وقتی که مراد سعی و شتاب به خطبه های نماز جمعه شد ایشان می‌فرماید قطعا شتاب کردن به شنیدن خطبه های امام جمعه لازم نیست بالاجماع. واجب نیست انسان شرکت کند در خطبه های نماز جمعه. به نماز برسد کافی است. پس باید باشد یستحب السعی الی ذکر الله. آیه دلالت بر وجوب نمی‌کند.

قرینه دوم...

[سؤال: ... جواب:] بالاخره خطبه ها با آن قراءت سوره حمد و جمعه طول می‌کشیده اگر بناء بود بخواهیم برسیم به نماز قبل از رکوع امام نیاز به سعی و سیر سریع نبود. سیر بطیء هم داشتیم می‌رسیدیم.

قرینه دوم که آقای خوئی ذکر می‌کند لفظ خیر است که می‌گوید لفظ خیر ظهور دارد در این‌که دو تا خیر است منتها می‌گوید سیر و شتاب کردن به این کار بهتر است از شتاب نکردن. نه این‌که شتاب نکردن حرام است. این هم دلیل بر استحباب سعی است. پس آیه استحباب سعی الی ذکر الله را می‌گوید. وجوب را نمی‌فهماند.

این وجه دوم به نظر ما ناتمام است. چرا؟ برای این‌که:

اولا ظاهر ذکر این است که یا مراد از آن نماز است یا لااقل شامل نماز هم می‌شود. قبلش دارد نودی للصلاة، صلاة را بکار می‌برد، بعدش هم دارد فاذا قضیت الصلاة، در آیات هم که از نماز به ذکر الله تعبیر شده، اقم الصلاة لذکری، چه وجهی دارد ما بگوییم ذکر شامل نماز نمی‌شود؟ اگر ذکر منصرف نباشد به نماز، لااقل اطلاقش شامل نماز می‌شود. و این‌که آقای خوئی فرمودند نیازی به سیر سریع ندارد رسیدن به نماز جمعه، آخه این بیان عرفی است. بشتابید به سمت نماز جمعه یعنی نماز جمعه از شما فوت نشود. اگر نیاز به شتاب دارد بشتابید. متفاهم عرفی این است. یعنی اگر رسیدن به نماز جمعه نیاز دارد به سیر سریع بشتابید به آن. تا از خانه در بیایید برسید به نماز جمعه یک وقت نماز جمعه از شما فوت بشود پس بشتابید به سمت آن. مراد از شتاب کردن یعنی سعی بکنید برسید، تلاش کنید برسید به آن.

ثانیا: بر فرض مراد از ذکر خطبه ها باشد، کدام اجماع می‌گوید واجب نیست حضور در خطبه ها؟ بله، شرط صحت نماز جمعه این نیست قبول. اما واجب نیست حضور در خطبه های نماز جمعه هذا اول الکلام. کی می‌گوید واجب نیست؟ شما اصل مسلم گرفتید واجب نیست حضور در خطبه های نماز جمعه و شتاب کردن به سماع خطبه های نماز جمعه. این از واضحات نیست. آنی که واضح است این است که اگر کسی به خطبه ها نرسید نماز جمعه اش باطل نمی‌شود. شرط صحت نیست. اما واجب تکلیفی هم نیست این را شما از کجا ادعا می‌کنید؟

پس ظاهر فاسعوا الی ذکر الله وجوب است. وجهی ندارد ما حمل بر استحباب بکنیم.

و اما آنچه که فرمودید خیر در این آیه دوبار تکرار شده و خیر ظهور دارد در استحباب، و این که در مقابلش یک خیر دیگری است منتها این کاری که ما گفتیم اشد خیرا هست، افضل است، خیر هیچ ظهور ندارد در استحباب. فوقش خیر اعم است. گاهی تعبیر می‌کنند خیرٌ ظاهرش خیر لازم است. أاربابٌ متفرقون خیرٌ ام الله الواحد القهار. خیر لازم. گاهی تعبیر می‌کنند به خیر، مراد خیر راجح است. اعم است. وقتی خیر اعم بود از خیر راجح و خیر لازم چه قرینه ای می‌شود که از ظهور فاسعوا الی ذکر الله در وجوب رفع ید کنیم؟ ظاهر فاسعوا الی ذکر الله وجوب است. ذلکم خیر لکم ان کنتم تعلمون یا قل ما عند الله خیر من اللهو و من التجارة ظهور در استحباب ندارد. اعم است از این‌که این خیر استحبابی است یا خیر وجوبی. و لذا ما به ظهور فاسعوا الی ذکر الله و ظهور ذروا البیع تمسک می‌کنیم در وجوب.

پس این وجه دوم که آقای خوئی فرموده تمام نیست.

اما می‌شود بجای این وجه دوم وجه سومی ذکر کرد که ما عرض می‌کنیم.

[سؤال: ... جواب:] همین خیر که شما می‌گویید به معنای اشد خیرا این گاهی در، مثل اولی، اولویت تعیینیه بکار برده می‌شود. اولو الارحام بعضهم اولی ببعض فی کتاب الله. و لقد علمتم انی احق بها من غیری، اولی بها من غیری. امیر المؤمنین اولی و احق به خلافت بود به نحو تعیین و به نحو لزوم نه به نحو رحجان. و للآخرة خیر لک من الاولی. یعنی در تقابل دنیا و آخرت، آخرت خیر لازم است نه خیر راجح. قل أذلک خیر ام الجنة التی وعد المتقون. خیر لازم است. بله، خیر اعم است از خیر لازم و خیر مستحب؛ اما هیچ ظهوری در خیر مستحب ندارد. و لذا وقتی ظهور در خیر مستحب نداشت، قرینه صارفه نمی‌شود که از ظهور امر به سعی الی ذکر الله و ترک بیع رفع کنیم در وجوب.

وجه ثالثی که جایگزین این وجه ثانی می‌کنیم این است: دقت بفرمایید! به نظر ما این آیه شریفه هیچ ظهور ندارد در قضیه حقیقیه الی یوم القیامه. این آیه شریفه قرینه داخلیه دارد که در مورد پیامبر و آن مشکل مسلمین بود که رها کردند خطبه های پیامبر را، رفتند سراغ تجارت و لهو. در آیه اول می‌گوید اذا نودی للصلاة من یوم الجمعة فاسعوا الی ذکر الله و ذروا البیع، این ذروا البیع اشاره است به آن کاری که مسلمین انجام دادند که در آیه سوم هم دارد که و اذا رأوا تجارة او لهوا انفضوا الیها و ترکوک قائما. آیه ثالثه که روشن است که موردش مورد پیامبر است: و ترکوک قائما. و ظاهر این است که این سه آیه: اذا نودی للصلاة، آیه دوم: فاذا قضیت الصلاة فانتشروا فی الارض، آیه سوم که و اذا رأوا تجارة او لهوا یک جا نازل شده کما علیه المفسرون. قرینه داخلیه هم همین را اقتضاء می‌کند و لااقل من الاحتمال.

پس قرینه داخلیه بوده که این آیه در مورد قضیه پیامبر نازل شده و اطلاق ندارد. اگر بیایند بگویند ای مؤمنین! هنگامی که نداء می‌کنند برای نماز در روز جمعه بشتابید به سمت ذکر خدا، رها کنید بیع را، کسانی که تجارت یا لهو را می‌بینند می‌روند سراغ آن، این درست نیست، خب این ظهور ندارد که در زمان غیبت هم این حکم هست. شاید یا ایها الذین آمنوا خطاب باشد به همان مسلمین در زمان پیامبر. شما اشکال دارد که خطاب کنید به موجودین، بگویید ای مردم مؤمن بشتابید دفاع کنید از مرزهای کشور اسلامی در مقابل مثلا تجاوز عراق در زمان جنگ؟ این خلاف ظاهر است؟ نه. ای مؤمنین مخاطب تان مؤمنین هستند منتها مؤمنین موجودین. این خلاف ظاهر نیست.

نگویید در روایات داریم قرآن آیاتش تا روز قیامت ادامه دارد. یجری مجری الشمس و القمر.

ما هم قبول داریم. یجری مجری الشمس و القمر و لکن باید خود آیات فی حد ذاته عموم و اطلاق داشته باشد. بله، اگر عموم و اطلاق داشت آیه، شأن نزول مقید آن نیست. اما اگر آیه اطلاق نداشت، خب ما به زور که نمی‌توانیم اطلاق‌گیری کنیم. در یک سری آیات اصلا مشخص است که مسلمین زمان پیامبر مراد هستند. یا ایها الذین آمنوا اذا ناجیتم فقدموا بین یدی نجواکم صدقة. یا ایها الذین آمنوا انفروا ثباتٍ او انفروا جمیعا. خذوا حذرکم فانفروا ثبات او انفروا جمیعا. یا ایها الذین آمنوا قاتلوا الذین یلونکم من الکفار. این بیش از این ظهور ندارد که مؤمنین موجودین مخاطب هستند. دلیل نداریم که شامل مؤمنین الی یوم القیامه بشود. مخصوصا با آن قرینه داخلیه که عرض کردم و ترکوک قائما.

و لذا به نظر ما به این آیه نمی‌شود استدلال کرد حتی بر وجوب حضور در نماز جمعه صحیحه در عصر غیبت. قرآن می‌گوید مردم بد می‌کنند؛ ترکوک قائما. پیامبر را در حال القاء خطبه نماز جمعه رها می‌کنند. نفرمود مردم بد می‌کنند رها می‌کنند فلان امام جمعه را در فلان شهرک. این را که نمی‌گوید که.

[سؤال: ... جواب:] امیرالمؤمنین نفس پیامبر است. اصلا محتمل نیست اختصاص داشته باشد به پیامبر دون امام المعصوم. اما احتمال اختصاص به معصوم دارد. ... الغاء خصوصیت می‌کنیم از پیامبر به سایر معصومین. اما می‌توانیم الغاء خصوصیت بکنیم از پیامبر به امام جمعه های عصر غیبت؟ ... سه تا آیه با هم نازل شده عرض کردم، ذروا البیع در آیه اول است، ترکوک قائما در آیه سوم است و این بیش از این ظهور ندارد مخاطب مسلمین در زمان پیامبر هستند.

[سؤال: ... جواب:] کلام در این است که برخی از مؤمنین این کار را کرده بودند چوبش را که همه نباید بخورند. بگوید و اذا رأیتم تجارة او لهوا انفضوا الیها یک عده ای می‌گویند ما چه گناهی کردیم؟ تر و خشک که با هم نمی‌سوزند. و لذا فرمود و اذا رأوا یک عده ای از مردم این‌جور بودند. ما اطلاق نداریم در این آیه که بخواهیم اطلاق‌گیری کنیم بعد بگوییم این‌ها حکمت یا علت است. اول اطلاق بگیرید بعد ما. این آیات سه تا آیه است با هم نازل شده. و بیش از این ظهور ندارد که مخاطب مسلمین زمان پیامبر هستند. ... نه این‌که حالا در یک شهری یک آقایی آمده نماز جمعه می‌خواند، این‌ها که شرط نصب را قائل نیستند، مشهور، مشهور متاخرین، امام شرط نصب را قائل بود. می‌گفت در زمان غیبت هم فقیه باید نصب کند امام جمعه را. مشهور که قائل نیستند. نه آقای خوئی قائل بود نه آقای تبریزی قائل بود. حالا یک آدم نیمچه عادلی، حسن ظاهر دارد، آمده می‌گوید من نماز جمعه را واجب می‌دانم،‌ شروع کرده با پنج نفر یا هفت نفر نماز جمعه می‌خواند، کل مردم علماء اعلام حجج اسلام همه وجوب داشته باشد حضور پیدا کنند در این نماز جمعه، فردا این آقا دم و دستگاه برای خودش درست کند، ما چه می‌دانیم، آیه که در مورد قضیه حقیقیه نیست.

این وجه ثالث به نظر ما وجه درستی هست.

وجهی که مرحوم آقای بروجردی فرمود، آن وجه را هم در نظر داشته باشید. به نظر ما آن وجه هم به این سادگی از آن نمی‌شود گذشت. آن را به عنوان وجه رابع عرض می‌کنیم. و آن این است:

بعد از این‌که آیه ظهور پیدا کرد در این‌که اقیمت الجمعة، دیگه نپذیرفتیم که اذا اذّن المؤذن فی یوم الجمعة، این را نپذیرفتیم گفتیم این کنایه است از تشکیل نماز جمعه، شد اذا اقیمت الجمعة، فشارکوا فیها، آن وقت طبق این وجه رابع که فرمایش آقای بروجردی هست خب اقیمت الجمعة انصراف دارد اقیمت الجمعة بشرائطها. این آیه در مقام بیان شرائط نماز جمعه نیست. شاید شرط نماز جمعه اذن امام معصوم باشد. چه می‌دانیم. آیه می‌گوید اذا اقیمت الجمعة بشرا‌ئطها فاسعوا الی ذکر الله. آیا نماز جمعه در عصر غیبت مصداق اقیمت الجمعة بشرائطها هست؟ هذا اول الکلام. شاید نصب امام معصوم شرط صحت نماز جمعه باشد.

نفرمایید که اطلاق دارد. یا ایها الذین آمنوا به نظر ما بر خلاف وجه ثالث، مستشکل می‌گوید ها! می‌گوید اطلاقش شامل عصر غیبت می‌شود. در عصر غیبت هم مؤمنین مخاطب به این آیه هستند. از عموم یا ایها الذین آمنوا نسبت به این مؤمنین در عصر غیبت کشف می‌کنیم که حضور امام معصوم شرط نیست. این را نفرمایید.

چرا؟ برای این‌که بر فرض عموم داشته باشد یا ایها الذین آمنوا نسبت به مؤمنین عصر غیبت، و وجه ثالث ما را نپذیرید، خب هر امری مشروط به قدرت بر متعلقش است. یا ایها الذین آمنوا اقیموا الصلاة. شامل فاقد الطهورین می‌شود یا ایها الذین آمنوا. ولی اول باید ببینیم اقیموا الصلاة اطلاق دارد نسبت به نماز بی وضوء و بی تیمم؟ اگر اطلاق داشت خب فاقد الطهورین هم می‌شود یا ایها الذین آمنوا اقیموا الصلاة. ولی اگر اقیموا الصلاة اطلاق نداشت و فاقد الطهورین ممکن بود اصلا نماز در حقش مشروع نباشد خب یا ایها الذین آمنوا اقیموا الصلاة یعنی اقیموا الصلاة ان قدرتم علیها. فاقد الطهورین قادر نیست بر نماز صحیح. اینجا هم همین‌جور. یا ایها الذین آمنوا ان اقیمت الجمعة صحیحة فشارکوا فیها در فرض قدرت دیگه. خب ما در عصر غیبت قدرت نداریم بر مشارکت در نماز جمعه صحیحه. چون شاید شرط صحت نماز جمعه حضور امام معصوم باشد.

پس نمی‌توانیم به عموم یا ایها الذین آمنوا تمسک کنیم بگویید شامل مسلمین عصر غیبت می‌شود پس شرطیت حضور معصوم را در صحت صلاة جمعه نفی کنیم. این اشکال به برخی از کلمات مرحوم آقای خوئی در بحث های آینده هم وارد می‌شود ها!. به مرحوم آقای تبریزی هم این اشکال وارد می‌شود ها!. می‌گوییم آقا این مثل این می‌ماند بگویی یا ایها الذین آمنوا اقیموا الصلاة، اطلاق یا ایها الذین آمنوا فاقد الطهورین را می‌گیرد پس کشف می‌کنیم که فاقد الطهورین باید نماز بخواند و لو بی وضوء و بی تیمم. خب این درست نیست. خب اول باید ببینیم آن صلاة شرطش چیه بعد هر تکلیفی مشروط به قدرت بر متعلقش هست و چه بسا ما قدرت نداشته باشیم بر آن.

تامل بفرمایید ان شاء الله تا فردا.